



دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی

گرایش اخلاق اسلامی

عنوان

اخلاق اسلامی در جنگ از منظر کتاب و سنت

استاد راهنما:

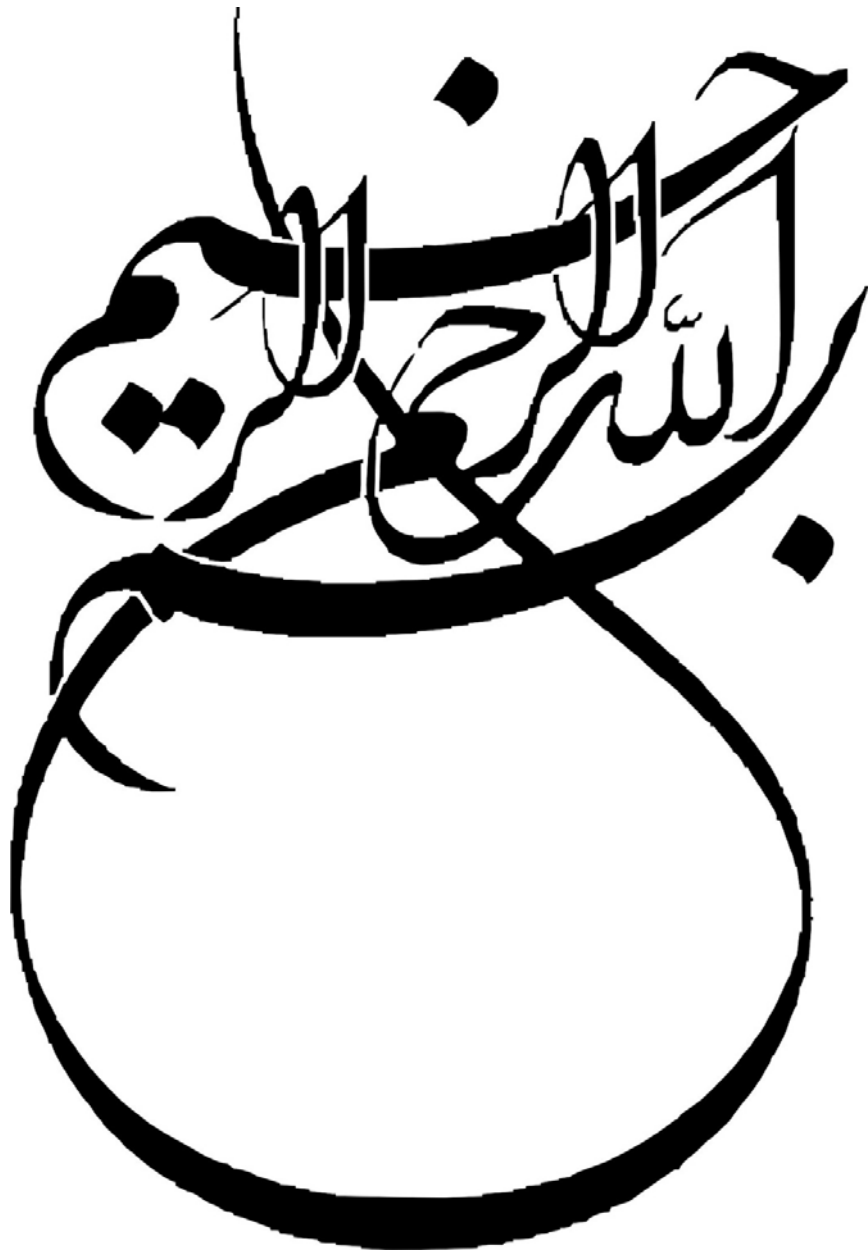
حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا جواهری

استاد مشاور:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر عبدالقاسم کریمی

محسن عبدی

تابستان ۱۳۹۱



تقدیم به

پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرچمدار حقیقی نهضت اسلام در زمان حاضر و تقدیم به مجاهدان و سربازان زحمت کش و فداکار آن بزرگوار که با رشادتها و صفات اخلاقی و روحیات خود همواره مصادیق حقیقی مجاهدان فی سبیل الله می باشند.

تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را درطریق علم و معرفت بیازماید.

وتقدیر وتشکر از اساتید محترم ومعظم که در این راه پر پیچ وخم همراهمان بودند و نهایت تلاش وهمکاری خویش را در به سر انجام رساندن این مهم بکارگرفتند. خصوصا مراتب تقدیر وتشکر خویش را از سروران عزیز، استاد راهنما جناب حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا جواهری واستاد مشاور جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالقاسم کریمی ابراز می دارم؛ امیدوارم که خداوند این تلاششان را به احسن وجه پاسخ دهد.

چکیده

اخلاق در دین مقدس اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و آیات و روایات متعدد و سیره رهبران اسلام به صراحت بر لزوم وجود اخلاق حسنه در نظامیان تاکید می کند. قرآن همواره مسلمانان را در برخورد اولیه با مخالفان به گفتگو با آنان و متقاعد کردن ایشان از راهی منطقی و با رویه حسن و نیکو دستور می دهد و تنها جنگ را در زمانی تجویز می کند که این گام اول موثر نباشد.

جنگ در اسلام در تمامی اقسامش (ابتدایی، دفاعی، جنگ بر علیه بغات) با جنگ در نزد سایر ملل و مکاتب تفاوت‌هایی اساسی در شرائط و اهداف و انگیزه‌ها و شیوه‌ها دارد و در آن برای رسیدن به پیروزی توسط به هر شیوه‌ای مجاز نیست. بی شک شناخت و رعایت قوانین و مقررات اخلاقی اسلام در جنگها باتکیه بر منابع معتبر و اصیل در اسلام، می تواند از جنگ بستری برای فلاح و هدایت انسانها بسازد و از بروز فجایع و جنایات جنگی تا حد زیادی جلوگیری کند.

در این تحقیق سعی بر این شده است که صفات اخلاقی مجاهدان و لزوم رعایت اخلاقیات در میدان نبرد با توجه به قرآن و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) بررسی شود تا سندی دیگر از جامعیت آئین مقدس اسلام روشن شود و جوابیه‌ای باشد بر علیه کسانی که اسلام و مسلمین را متهم به خشونت و نامهربانی می کنند.

Abstract

The morality has considerable importance in Islam, various verses and traditions and Islamic leader's biographies have clearly insisted on the necessity of good morality among militararians. The Quran has always commanded Muslims in the first place to negotiate with protesters and convince them logically and only allows war when this condition. has not been affected .

the war in Islam with all it's forms(offensive , defensive, and against protesters)is different from war among other nations and schools according to conditions , intentions ,motives and procedures in which resorting to achieve victory in any manner is not permitted. There is no doubt the understanding and observation of Islamic moral rules and disciplines in war by authoritative sources can provide guidelines for human and largely prevent war disasters and catastrophes.

In this research we have tried to explain moral characters of warriors and necessity of ethic observance in battlefield according to the Quran and Imams biographies in order to show both Islam's universality and answer those who charge Muslims with hostility and enmity.

فهرست

صفحه	عنوان
۱۲	• مقدمه
۱۴	• کلیات
۱۶	• اهداف تحقیق
۱۷	• ضرورت تحقیق
۱۸	• سوالهای اساسی تحقیق
۱۸	• فرضیه های تحقیق
۱۹	• کاربردها
۲۰	• پیشینه ونوآوری
۲۰	• واژه شناسی
۲۷	• فصل اول: اهمیت اخلاق از دیدگاه قرآن وروایات و ضرورت اخلاق در جنگ
۲۷	• الف) اهمیت اخلاق در قرآن
۳۱	• ب) اهمیت اخلاق در روایات اسلامی
۳۲	• ج) ضرورت اخلاق در جنگ
۳۶	• فصل دوم : اصالت جنگ یا صلح
۳۹	• اصالت جنگ
۴۳	• اصالت صلح
۴۵	• احتمال سوم
۵۶	• فصل سوم : دیدگاه کلی اسلام درباره جنگ و صلح
۵۶	• ویژگی های جنگ
۵۶	• درراه خدا بودن
۵۸	• عادلانه بودن
۶۰	• دفاعی بودن
۶۴	• انسانی بودن
۷۱	• فصل چهارم : گونه شناسی جنگها وشرایط واهداف آنها

- ۷۱ • جنگ با کافران حربی
- ۷۲ • جنگ ابتدایی
- ۷۴ • شرایط واجب جهاد ابتدایی
- ۷۴ • دعوت کفار به اسلام
- ۷۶ • دعوت اهل کتاب به پرداخت جزیه
- ۷۷ • خودداری از جنگ در ماه های حرام
- ۷۸ • جنگ دفاعی
- ۷۹ • جنگ با بغات
- ۸۱ • شرایط واجب جنگ بابغات
- ۸۱ • فراخوانی امام عادل
- ۸۱ • ارشاد باغیان
- ۸۲ • مهلت دادن به باغیان در صورت مهلت خواهی
- ۸۲ • اهداف جنگ
- ۸۷ • اهداف غیر مشروع
- ۸۷ • سلطه طلبی و کسب قدرت
- ۸۷ • کشور گشایی و فتح سرزمین
- ۸۷ • کسب منافع مادی و بدست آوردن غنیمت
- ۹۰ • تحمیل عقیده
- ۹۲ • بطلان نظریه پیشرفت اسلام با شمشیر
- ۹۴ • اهداف مشروع جهاد
- ۹۴ • اهداف جهاد ابتدایی
- ۹۴ • نابودی حاکمیت شرک و کفر
- ۹۷ • از میان برداشتن موانع دعوت اسلام
- ۱۰۰ • نابودی ستم و نجات مستضعفان
- ۱۰۳ • اهداف جنگ دفاعی
- ۱۰۳ • حفظ کیان اسلام
- ۱۰۵ • حفاظت از جان و مال و ناموس مسلمانان

- اهداف جنگ با بغات ۱۰۶
- ریشه کن کردن فساد و طغیان ۱۰۷
- مبارزه با انحراف ۱۰۸
- برپایی امنیت و آرامش ۱۰۹
- فصل پنجم : اوصاف مجاهدان ۱۱۱
- ویژگیهای برجسته پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) در مقام فرماندهی کل ۱۱۱
- نرمخو و مهربان ۱۱۳
- ایثار در راه خدا و پایداری در راه او ۱۱۵
- شجاعت و صف ناپذیر ۱۱۶
- اعتماد و توکل بر خدا ۱۱۷
- مشورت با نیروها ۱۱۸
- گذشت و چشم پوشی از خطا ۱۱۹
- خردمندی ۱۲۱
- خدمتگزاری و دوری از ریاست طلبی ۱۲۳
- عدالتخواهی و پرهیز از هوای نفس ۱۲۳
- قاطعیت در سرکوب شورشگران و حل بحرانها ۱۲۴
- ویژگیهای مجاهدان و سربازان عادی ۱۲۵
- ایمان ۱۲۶
- بصیرت ۱۲۸
- شجاعت ۱۲۹
- اطاعت پذیری ۱۳۱
- تکلیف گرائی رزمندگان ۱۳۵
- وحدت و انسجام ۱۳۶
- نظم ۱۳۶
- توکل بر خدا ۱۳۸
- ایثار و فداکاری ۱۴۰
- عشق به الله و تلاش جهت تقرب به او ۱۴۱

- صبر و پایداری ۱۴۳
- پر صلابت و خشن در برخورد با کافران و مهربان نسبت به مومنان ۱۴۸
- الگو قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه وآله) و تاسی به ایشان در جهاد ۱۴۹
- نمونه هایی از سیره اخلاقی امیر المؤمنان (علیه السلام) در جنگها ۱۵۱
- امام (علیه السلام) در برخورد با معاویه ۱۵۱
- امام (علیه السلام) در برخورد با خوارج ۱۵۲
- نمونه هایی از کارهای خوارج ۱۵۳
- اقدامات امیر المومنین (علیه السلام) برای هدایت خوارج ۱۵۴
- فصل ششم : بایدها و نبایدهای جنگ در اسلام ۱۵۸
- اصالت صلح ۱۵۸
- شرائط صلح ۱۶۰
- شرافتمندانه بودن ۱۶۰
- ریشه دار بودن ۱۶۱
- همه جانبه بودن ۱۶۲
- صلح طلبی پیامبر و امیر المؤمنان (علیهم السلام) در جنگها ۱۶۳
- تلاشهای امیر المؤمنان (علیه السلام) در برقراری صلح ۱۶۷
- وجه دفاعی جهاد در دوران غیبت ۱۷۲
- عدم تقدم در جنگ ۱۷۲
- منع از دشنام ۱۷۴
- منع استفاده از سلاح شیمیایی ۱۷۵
- کاربرد سلاح در جنگ با کافران حربی ۱۷۵
- کاربرد سلاح در جنگ با بغات ۱۷۸
- عدم تعرض به غیر نظامیان و اموال ایشان

۱۸۱

- پرهیز از آزار و اذیت زنان و عدم هتک حرمت و پوشش ایشان ۱۸۵
- منع آسیب رسانی به محیط زیست

۱۸۷

۱۸۸	• منع ترور
۱۸۹	• ترور در ادبیات عرب
۱۹۰	• ترور در زبان فارسی
۱۹۱	• حرمت شرعی ترور
۱۹۴	• ترور یا مجازات اسلامی
۱۹۵	• سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)
۱۹۷	• سیره ائمه معصومین (علیهم السلام)
۱۹۹	• اسلام و نمونه هایی از نفی ترور
۲۰۳	• رعایت حقوق اسیران
۲۰۴	• حکم اسیر گرفتن
۲۰۵	• اقسام اسیران
۲۰۷	• حقوق اسیران
۲۰۸	• حقوق اسیران زن و کودک
۲۰۸	• حکم اسیران بغات
۲۰۸	• نهی از قتل سفیر و گروگان
۲۰۹	• منع از عهد شکنی
۲۱۱	• پناه دادن به پناهندگان
۲۱۲	• نهی از مکر و نیرنگ
۲۱۴	• قانون مقابله بمثل
۲۱۸	• نهی از مثله کردن کشته های دشمن
۲۱۹	• نتایج
۲۲۳	• پیشنهادهای کاربردی
۲۲۷	• منابع

مقدمه

گاهی «اخلاق» به معنای معرفتی است که به بررسی هنجارهای اخلاقی می پردازد و گاهی منظور از آن، هنجارها و اصول اخلاقی است. هنگامی که از اخلاق مخاصمه و دشمنی ورزیدن سخن به میان می آید، معنا و مفهوم دوم مورد توجه است. هر کار و حرفه ای باید هنجارها و اصولی داشته باشد که این هنجارها یا به وسیله حقوق و یا به وسیله اصول و هنجارهای اخلاقی مشخص می شوند. اینکه ما در هنگام کار کردن چه موازین و مقرراتی را رعایت کنیم، بحثی است که معمولاً حقوق کارمندی بدان توجه دارد.

حقوق همچنین در زمینه مسائل خانوادگی، روابط بین فردی و روابط افراد و حکومت نیز بسیار موضوعیت پیدا می کند. اما حقوق ذاتاً و فی نفسه نمی تواند همه روابط انسان با دیگر افراد را تنظیم کند و به همین دلیل، ضرورت تأمل بر هنجارهایی اخلاقی که سامان دهنده ارتباط افراد و اجتماعات باشند احساس می شود.

در این میان، همانطور که دوستی باید دارای هنجارهایی اخلاقی باشد، دشمنی کردن هم نمی تواند از این امر بی بهره باشد. در دوستی کردن، انسان نباید دوستش را به مثابه وسیله در نظر بگیرد، بلکه وی باید کانت وار، هر دوست را به مثابه یک غایت مفروض گیرد. دوست آماده است بخشی از زندگی خود را با کسی که با وی دوستی می کند به اشتراک گذارد و در مواقع سختی و مرارت، مدد رسان باشد.

بنابراین می توان قایل به رعایت اخلاقیات در هنگام جنگ و مبارزه با دشمن هم شد. سعدی در گلستان اشاره ای دارد به اینکه «نه با کسی چنان دوست شو که در مواقع دشمنی برای تو مشکل ایجاد کند و نه با دشمن چنان رفتار کن که هنگامی که وی دوست شد، تو را شرمناک نماید.» به تعبیر دیگر، رعایت اخلاق در هنگامه دشمنی ورزی مبتنی بر همان قاعده طلایی است؛ قاعده ای که می گوید «با دیگران چنان رفتار کن که می خواهی با تو رفتار کنند».

همه ما در زندگی خود شاهد درگیریهایی و کشمکشهایی با اطرافیانمان هستیم. همه افرادی که در کنار ما زندگی می کنند، نمی توانند به عنوان دوستانمان به شمار آیند. برخی از آنها نه دوست هستند و نه دشمن. برخی از آنها دوست هستند و برخی دیگر با ما خصومت دارند و ما ناگزیریم وارد رابطه ای جز دوستی با آنها شویم.

در این میان، تعدادی از رویکردهای اخلاقی معتقدند در رابطه با خصم، اخلاق نمی تواند حضور داشته باشد. یعنی همان طور که در هنگام جنگ و کشمکش دو کشور، اخلاق جایی ندارد (به نظر این افراد) در مواجهه خصمانه دو فرد هم نمی توان اخلاقی را تعریف کرد. اما همان طور که بیان گردید، هر کاری و از جمله مبارزه با دشمن نیز قواعد و اصولی دارد که باید ملاحظه شود. رویکردهای هنجاری تصریح می کنند، در هنگام دشمنی انسان نباید با دشمن خود آنگونه رفتار کند که برای خانواده دشمن مشکلی ایجاد شود. مثلاً او نباید کاری کند که دشمن کارش را از دست بدهد، زیرا با این کار، خانواده وی در مخمصه قرار می گیرند. او همچنین نباید چنان در دشمنی کردن پیش رود که آبروی رقیب خود را بریزد و سعی کند تا آنجا که امکان دارد از دشمن خود دوری گزیند. این موارد و مواردی دیگر، به عنوان کدهایی اخلاقی در نظر گرفته می شوند که انسان باید در رابطه خصمانه با دیگران مورد توجه خود قرار دهد.

بیت معروف حافظ که :

« آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا»

هم به گونه ای از اخلاق درقبال با خصم اشاره دارد.

بسیاری از افرادی که در مورد اخلاق دشمنی سخن گفته اند، با تکیه بر مفهوم جنگ عادلانه به این موضوع جالب اخلاقی پرداخته اند.

یکی از پرسشهای مهمی که در این زمینه وجود دارد، این است که آیا جنگ اجتناب ناپذیر است؟ آیا می توان از برخی روابط خصمانه پرهیز کرد؟ چنین پرسشی در روابط میان انسانها هم برقرار است. آیا می توان جهانی داشت که در آن تعارضی وجود نداشته باشد؟

نظریه پردازان اخلاق جنگ و دشمنی عموماً تأکید می کنند که نمی توان چنین جامعه ای را در مقام واقع تجسم کرد. دلیلی که آنها برای مدعای خود ارائه می کنند، بیشتر بر شواهد تاریخی استوار است.

بنابراین، از خصومت گریز و گزیری نیست و نمی توان با مکانیسمهایی آن را تحت هدایت خود قرار داد. این یک موضع است که تعدادی از نظریه پردازان آن را قبول ندارند و معتقدند، نمی توان برای جنگ قاعده ای اخلاقی تدوین کرد و جنگ عرصه عرضه جنبه های حیوانی و نیازهای اولیه آدمیان است. البته در این گستره انتظار عقلانیت، امیدی واهی و پوچ است. هر چند عده ای دیگر با

وجود اعتراف به دشوار بودن وضع، قواعدی اخلاقی برای جنگ و مخاصمه، این امید را از بین نمی برند که انسان به جایگاهی برسد که جنگ را نیز مانند بسیاری از موضوعات دیگر از دریچه اخلاق ببیند و برای آن هم منش و هنجارهایی قائل شود.

اگر جهان ما جهان مطرح شدن هویت‌های متفاوت است و اگر در این جهان، تفاوت مؤلفه ای مهم به شمار می آید، باید انتظار داشت که رابطه این افراد و حوزه های متفاوت موضوعی مهم و حیاتی باشد و یکی از انواع بی شمار رابطه، البته رابطه خصمانه است که بشر باید بدان بیندیشد و قواعد و ضوابطی را برای آن در نظر بگیرد.

اسلام به عنوان آخرین مکتب آسمانی که برای هدایت نوع بشر آمده است به نحو احسن به بیان این قواعد و مقررات پرداخته است. و آنها را در غالب قوانین و حقوق جنگ لازم الاجراء نموده است و پیروان خویش را به رعایت آنها ملزم کرده و از هرگونه افراط و تفریطی در این زمینه نهی فرموده است .

این تحقیق از یک مقدمه و شش فصل تشکیل شده است .

مقدمه شامل بیان کلیات موضوع و ضرورت تبیین آن و هدف از انجام آن و واژه شناسی است .
و فصل ها عبارتند از :

فصل اول: اهمیت اخلاق از دیدگاه قرآن و روایات و ضرورت اخلاق در جنگ

فصل دوم : اصالت جنگ یا صلح

فصل سوم : دیدگاه کلی اسلام درباره جنگ و صلح

فصل چهارم : گونه شناسی جنگها و شرایط و اهداف آنها

فصل پنجم : اوصاف مجاهدین

فصل ششم : بایدها و نبایدهای جنگ در اسلام

کلیات

عقل و اندیشه انسان چنین قضاوت می کند که انسان بدون هدف آفریده نشده است. بنابراین از ناحیه خالق و آفریننده او می بایست هدف از آفرینش او برایش توضیح داده شود و دستورات لازم در این خصوص برای او فرستاده شود. در اینجا پیامبرانی برگزیده می شوند تا دستورات الهی را که رهنمون راه تکامل انسانهاست را به صورتی فراگیر به آنها عرضه کنند و در نتیجه افراد بشر چنانچه بخواهند به سوی تکامل رهسپار شوند. لذا آیات فراوانی در قرآن آمده است که این قرآن هدایت و راهنمایی برای عموم مردم است. بنابراین می توان گفت آیین حق همچون آب و یا به تعبیری دیگر مثل هواست که می بایست به همه برسد و همه از آن استفاده کنند. حال اگر به هنگام رساندن این دستورات عده ای بخواهند در برابر آن بایستند و نگذارند که به مردم برسد باید با قدرت اسلحه مقابل آنان ایستاد. تا مردم بتوانند به راحتی دستورات الهی را درک کنند و راه تکامل خویش را بیمایند و از همین جاست که نقش لزوم جهاد بر هر فرد طرفدار حق روشن می شود.

از همین جهت است که قرآن می فرماید: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فيه بأس شديد . (۱)

ما پیامبران خود را با معجزات فرستادیم و همراه آنان کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل قیام نمایند و نیز آهن را فرستادیم که در آن نیرو و قدرتی شدید است .

و به همین جهت است که در آیات قرآن و سخنان پیشوایان دینی جهاد دارای اهمیتی بس بزرگ است و کناره گیری و ترک آن سخت نکوهش شده است . علی (علیه السلام) می فرماید: اما بعد فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اوليائه و هو لباس التقوى و درع الله الحصينه و جنته الوثيقه فمن تركه رغبه عنه البسه الله لباس الذل و شمله البلاء. (۲)

جهاد دربی از دربهای بهشت است که خدا آن را به روی خاص اولیای خودش گشوده است . جهاد لباس تقوی و زرهی محافظ و نگهدار و سپری مطمئن است که هر کس آن را از روی بی علاقهگی ترک کند خدا لباس ذلت باو می پوشاند و دچار بلا و گرفتاریها می شود .

۱. حدید، ۲۶

۲. نهج البلاغه ، خطبه ۲۷

آیه شریفه ذیل اشاره به قدمت اختلافات در بین بشر از همان ابتدای امر ظهور رسولان و پیامبران الهی دارد: كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)

مردم قبل از بعثت انبیاء همه یک امت بودند خداوند به خاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد انبیایی به بشارت و انذار برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند و این اختلاف پدید نیامد مگر از ناحیه کسانی که اهل آن بودند و انگیزه‌شان در اختلاف حسادت و طغیان بود در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون شد و خدا هر که را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید: که انسان - این موجودی که به حسب فطرتش اجتماعی و تعاونی است - در اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود، آن گاه همان فطرتش وادارش کرد تا برای اختصاص دادن منافع به خود با یکدیگر اختلاف کنند، از اینجا احتیاج به وضع قوانین که اختلافات پدید آمده را برطرف سازد پیدا شد، و این قوانین لباس دین به خود گرفت، و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب گردید، و برای اصلاح و تکمیلش لازم شد عباداتی در آن تشریح شود، تا مردم از آن راه تهذیب گردند.

و به منظور این کار پیامبرانی مبعوث شدند، و رفته رفته آن اختلافها در دین راه یافت، بر سر معارف دین و مبدأ و معادش اختلاف کردند، و در نتیجه به وحدت دینی هم خلل وارد شد، شعبه‌ها و حزبها پیدا شد، و به تبع اختلاف در دین اختلاف‌هایی دیگر نیز در گرفت، و این اختلاف‌ها بعد از تشریح دین به جز دشمنی از خود مردم دین‌دار هیچ علت دیگری نداشت، چون دین برای حل اختلاف آمده بود، ولی یک عده از در ظلم و طغیان خود دین را هم با اینکه اصول و معارفش روشن بود و حجت را بر آنان تمام کرده بود مایه اختلاف کردند.

پس در نتیجه اختلاف‌ها دو قسم شد، یکی اختلاف در دین که منشاش ستمگری و طغیان بود، یکی دیگر اختلافی که منشاش فطرت و غریزه بشری بود، و اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد باعث تشریح دین شد، و خدا به وسیله دین خود، عده‌ای را به سوی حق هدایت کرد، و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت، و خدا هر کس را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

پس دین الهی تنها و تنها وسیله سعادت برای نوع بشر است، و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند چون فطرت را با فطرت اصلاح می‌کند، و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده، برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم و راه مادیت و معنویتش را هموار می‌نماید. (۱)

با توجه به این حقیقت که جنگ در تاریخ جامعه بشر سابقه ای دیرینه دارد و می‌توان آنرا همراه همیشگی زندگی بشر دانست و ما هر چه تاریخ جامعه بشری را در اعصار مختلف ورق می‌زنیم عصری را نمی‌یابیم که در آن نه یک جنگ بلکه جنگهای متعددی روی نداده باشد لازم است دستورات دین مبین اسلام در این خصوص نیز بررسی شود. هدف ما در این تحقیق بررسی اصول اخلاقی و جایگاه آنها در میدان جنگ و بیان صفات مجاهدان در راه خدا از منظر اسلام و با استناد به دو منبع قرآن و سنت است.

اهداف تحقیق

در آیات و روایات متعدّد و سیره رهبران اسلام به صراحت بر لزوم وجود اخلاق حسنه در نظامیان تأکید شده است همچنین در هنگام جنگ و جهاد در میدان نبرد نیز همواره دستوره رعایت نکات اخلاقی داده شده است. مجاهدان در میدان نبرد علاوه بر خصوصیات ضروری نظامی و جنگی باید افرادی دارای سجایای اخلاقی باشند که به واسطه آن بتوانند علاوه بر برتری ظاهری و فتح نظامی در میدان جنگ، بردل‌ها و قلبهای دشمن نیز مسلط شوند و روشن است که رسیدن به این هدف مهم تا چه حد به رعایت مسائل اخلاقی در جنگ وابسته است.

۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۱۶۸

علاوه بر این یکی از مهمترین ملاکهای افزایش قدرت لشکریان اسلام این است که مجاهدان به همراه آشنایی با فنون و آموزشهای روز نظامی جهان ، شناخت دقیق و صحیحی از نظریات دین مقدس اسلام در این زمینه داشته باشند این مساله علاوه بر اصلاح افکار ایشان در مورد جنگ کمک بسیاری به تحقق اهداف اسلام از جنگهای پیش رو خواهد کرد .

اگر مجاهدان با صفات اخلاقی که باید یک مجاهد داشته باشد آشنا شوند و دستورات اخلاقی اسلام را در این زمینه بدانند در راه اهداف خویش استقامت و پایداری بیشتری خواهند ورزید و در این راه با تمام وجود اقدام خواهند کرد و از لحاظ روحی در وضعیت خوبی قرار خواهند گرفت .
و مسلم است که روحیه عالی و اشتیاق در نبرد امری است که رابطه مستقیمی با پیروزی دارد .

هدف این تحقیق جمع آوری صفات اخلاقی مجاهدان در راه خدا در میدانهای نبرد حق علیه باطل و بررسی اعمال اخلاقی و عملکرد ایشان از این حیث است . خصوصیات وصفاتی که بطور پراکنده در آیات الهی و روایات و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) وجود دارد.

در این تحقیق سعی ما بر این است که با کمک آیات الهی و سیره معصومین (صلوات الله علیهم) به عنوان مهمترین مدارک و منابع قابل استناد به بررسی مسائل اخلاقی در هنگام جنگ و در میدان نبرد بپردازیم و صفات اخلاقی مجاهدان را در این زمینه بیان کنیم تا ضمن ازدیاد بر معرفت دینیمان مبارزان و لشکریان اسلام نیز با توجه به این موارد کیفیت کار خویش را بالا ببرند .

بی شک توجه به این نکات باعث خواهد شد که قوای مسلح ما از لحاظ کیفیت در درجه های بالاتری قرار گیرند و همچنین جوابی خواهد بود بر علیه کسانی که اسلام و مسلمانان را متهم به خشونت و نامهربانی می کنند.

ضرورت تحقیق

توجه به نکات ذیل می تواند تا حد زیادی اهمیت و ضرورت پرداختن به این تحقیق را بیان کند :

- شناختن صفات اخلاقی مجاهدان جزء ضروری ترین احتیاجات قوای نظامی ارتش اسلام است چرا که باعث تقویت بعد مکتبی در ایشان می شود که خود یکی از مهمترین نقاط تفاوت این قوا با سائر قوای نظامی خارجی است.

- نظامیان به حساسیت جایگاه خویش واقف می شوند و اقبال بیشتری نسبت به جنگ و جهاد و تحمل مصائب و مشکلات پیش روی از خود نشان می دهند.
- شناختن مسائل و صفات اخلاقی باعث افزایش روحیه ایشان شده که نتیجه آن افزایش کیفیت قوای حق بر ضد باطل می شود.
- بی اطلاعی از اهمیت و نقش فوق العاده اخلاق اسلامی در جنگ و سیره مجاهدان باعث شده عده ای مسلمانان را به خشونت طلبی و عدم رعایت اصول اخلاقی و انسانی در جنگها متهم کنند که باتشریح نقش اخلاق در جنگ و تبیین اوصاف اخلاقی مجاهدان پاسخ مناسبی به این اتهامات داده خواهد شد.
- ارتش ایران پس از انقلاب اسلامی ارتش اسلامی در نظام جمهوری اسلامی است. لذا آشنایی با اخلاق اسلامی یک ضرورت است. و این پژوهش در این راستا گام برمی دارد.

سوالات اساسی تحقیق

۱. نقش و آثار اخلاق در جنگ چیست ؟
۲. اصول اخلاقی جهاد در راه خدا از منظر قرآن چیست؟
۳. سیره اخلاقی پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) در جنگ چه قوانین و ضوابطی را در بر دارد؟

فرضیه های تحقیق

- اخلاقیات و عمل به آنها در جنگ تاثیر بسیار مهمی در بهبود عملکرد افراد در جنگ دارد و تخلق به اخلاق حسنه یکی از وظایف مهم مجاهدان در راه خداست . اخلاق در جنگ باعث تبدیل شدن میدان جنگ به بستر هدایت و سعادت و فلاح جنگجویان می گردد . چه بسیار فجایع جنگی از جمله کشتارها ویرانی ها و تعدی و تجاوزها که در اثر غفلت و سهل انگاری از این مهم حاصل شده است .
- قرآن پیروان خود را به یک زندگی مسالمت آمیز دعوت می کند و مسلمین را به ایجاد صلح موظف می کند جهاد در راه خدا را عاملی برای حفظ دین و مکتب و رفع فتنه و ارشاد مردم و شکستن طاغوت و رهایی از سلطه ستمگران می داند و در راه خدا جنگیدن را معیار ارزشمندی جنگ و مرگ در جنگ می داند . جنگ را تنها با کسانی روا می داند که اقدام

به مقاتله با مسلمانان نموده باشند واز تعدی و تجاوز در میدان جنگ نهی می کند و به عدالت و رزی حتی در میدان جنگ دستور می دهد. از کشتن بی دلیل نهی می کند و گناه آنرا برابر با کشتن تمامی مردم می داند. بر لزوم وفای به عهد و پیمانها مادامی که دشمن بر آنها پایدار است تاکید دارد. بر پایمردی و یاد خدا در جهاد تاکید می کند و بر لزوم تغییر اهداف مادی به اهداف معنوی در جنگ تاکید می کند. و از کشور گشایی و کشتار بی هدف و روحیه تجاوز گری بشدت نهی می کند.

- پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) همواره بر ضرورت رعایت اخلاق اسلامی در میادین جنگ تاکید می فرمودند. از جمله مهمترین سفارشات این بزرگواران می توان به موارد ذیل اشاره کرد: باید خدا و برای خدا و در راه خدا حرکت کنید، در جنگ وقتل و قتل زباده روی نکنید، کسی را مثله نکنید، حيله و مکر و غدر نکنید، اشخاص مسن و زنان و کودکان را و کسی را که در گودالی افتاده نکشید، مزارع و درختان مثمر و نخیلات را از بین نبرید، بهائم را نکشید، القاء سم در اطعمه و اشربه دشمن نکنید، حمله شبانه نکنید (مگر به هنگام ضرورت)، هر کس پناه خواست به او پناه دهید، قبل از قتال دشمن را به راه حق دعوت کنید، پیشنهاد صلح را بپذیرید، داخل منازل نشوید، به اهل و عیال دشمن تعدی نکنید اگر چه با شما بد رفتار کنند.

کاربردها

۱. تدوین اصول اخلاقی و قوانین و ارزشهای حاکم بر جنگ و نشان دادن نقش بنیادین اصول اخلاقی در جنگ مقدس و جهاد اسلامی
۲. شناسایی صفات و نکات اخلاقی در جنگ و تخلق مجاهدان به این صفات موجب افزایش روحیه و افزایش کیفیت قوای حق بر علیه باطل می شود.
۳. پاسخگوئی به شبهات پیرامون جنگهای پیامبر اسلام و اتهامات مستشرقان و دشمنان اسلام
۴. تدوین کتب اخلاق در جنگ جهت استفاده فرماندهان و افسران و سائر کارکنان در نیروهای مسلح
۵. آموزش اخلاق نظامی به ارتش کشورهای اسلامی و امت اسلامی